

پیام نوروزی به مناسبت حلول سال 1380 - 1 / فروردین / 1380

بسم الله الرحمن الرحيم

یا مقلب القلوب و الأبصار، یا مدبر اللیل و النهار، یا محوّل الحول و الأحوال، حوّل حالنا الی احسن الحال.

عید نوروز و طلیعه بهار و آغاز سال نوی هجری شمسی را به همه هم‌میهنان عزیزمان، به خانواده‌های عزیز ایثارگران، شهیدان، جانبازان، آزادگان و مفقودان تبریک عرض می‌کنم. همچنین این عید را به همه ملت‌هایی که نوروز و آغاز سال جدید هجری شمسی را گرامی می‌دارند - مثل ملت آذربایجان، افغانستان و آسیای میانه - و دیگر کسانی که در هر نقطه، به عید نوروز اهمیت می‌دهند، تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم که سال جدید، سالی سرشار از خیر و برکت و خوشی و سعادت برای همگان، بخصوص برای ملت عزیز ایران باشد.

با نگاهی به سال 79، این سال را سرشار از حوادث گوناگون، اعم از حوادث تلخ و شیرینی که در کشورمان اتفاق افتاده، یا حوادثی که در نقاط دیگر عالم برای مردم کشورمان حائز اهمیت بوده است - که هر سال همین‌طور است و همه زندگی ترکیبی از شیرینیها و تلخیها و کامیابیها و ناکامیهاست - مشاهده می‌کنیم. از خدای متعال بخواهیم که سال جدید و همه سالهای آینده عمر را، برای ما سال تقرب به او و سال موفقیتها و کامیابیهای گوناگون در عرصه‌های مادی و معنوی قرار دهد.

سال 79 را مزین به نام مبارک امیرالمؤمنین مشاهده کردیم. مردم عزیز ایران به این نام و به این پیرایه مقدس دل‌بستگی نشان دادند و در سرتاسر سال 79، یاد و نام مبارک امیر مؤمنان، بر بسیاری از تلاشها و فعالیت‌های علمی و فرهنگی حاکم بود؛ لیکن آنچه مهم است، علی‌وار شدن، یا اگر این را برای خودمان مبالغه‌آمیز بدانیم، حرکت به سوی علی‌وار شدن است. همه، بخصوص مسؤولان کشور و دولتمردان و کسانی که باری از بارهای اجتماعی را بر دوش دارند، باید سعی و تلاش کنند تا عمل خود را در جهتی که به همانندی با امیر مؤمنان منتهی می‌شود، منطبق کنند. نام امیرالمؤمنین، نامی گرامی برای همگان است. ملت ما هم به این بزرگوار عشق می‌ورزد؛ و ما اگر بخواهیم خود را عملاً به نقطه مطلوب اسلام برسانیم، این بهترین نشانه و شاخص برای ماست.

سال 80 هم باید سال امیرالمؤمنین به حساب آید و شناخته شود. در این سال سعی کنیم به کار فرهنگی و علمی اکتفا نکنیم؛ تلاش کنیم رفتار و عملکردمان را - بخصوص در حوزه مسائل اجتماعی و به‌طور اخص در زمینه مسائل حکومتی - به عملکرد آن بزرگوار نزدیک کنیم. تقوای امیرالمؤمنین و پارسایی او، نزدیکی و دلسوزی او نسبت به قشرهای ضعیف و محروم، کارکرد درخشان او برای خدا، استقامت و خستگی‌ناپذیری او در راه هدفهای متعالی، هر کدام سرفصلی است که مسؤولان مختلف می‌توانند خود و مجموعه زیر نظر خودشان را در جهت اینها - یا لااقل در جهت یکی از این سرفصلها - توجیه کنند و به حرکت و تلاش وا دارند. اگر ما بتوانیم رفتار آن بزرگوار را برای مسؤولان نظام جمهوری اسلامی - چه مسؤولان قوه مجریه، چه مسؤولان قوه قضائیه، چه مسؤولان و نمایندگان مردم در قوه مقننه، چه مسؤولان نظامی و چه همه کسانی که در بخشی از این نظام به نحوی مشغول خدمتند - الگو قرار دهیم و سعی کنیم خود را به آن نزدیک نماییم، یقیناً رفع مشکلات از زندگی مردم و از وضع کشور، آسانتر و راههای کمال به سوی ملت عزیز ما گشاده‌تر و سهلتر خواهد شد.

در زمینه آنچه که ما در سال 80 باید به عنوان شعارهای اساسی خودمان به آن نگاه کنیم، من دو نقطه مهم را مطرح

می‌کنم: نقطه اول، اقتدار ملی است. اقتدار ملی برای یک کشور، حفظ‌کننده هویت او، مایه عزت او و وسیله رسیدن او به آرمانهاست. تلاشی که برای نابودی ملتها و به زنجیر کشیدن آنها - از دورانهای گذشته تا امروز - می‌شود، همیشه در جهت نبود کردن یا ضعیف کردن اقتدار ملی آنها بوده است؛ و بعکس، ملتهایی که در راه تعالی و کمال قدم برمی‌دارند، باید در اقتدار ملی خودشان بکوشند. اقتدار ملی، فقط به معنای تواناییهای نظامی نیست؛ اقتدار ملی یک مسأله همه‌جانبه است و بر دوش همه دستگاههاست و به عنوان یک وظیفه اصلی، بر دوش هر سه قوه اساسی کشور نهاده شده است. اقتدار ملی به معنای این است که یک ملت، در مسؤولان کشور جلوه‌های قدرت و توانایی و عزت خود را مشاهده کند و کارها با سیاستهای درست، با برنامه‌ریزی صحیح، با جدیت و پشتکار و با هماهنگی و انسجام کامل پیش برود. در سایه اقتدار ملی است که مردم می‌توانند به قدر استعدادشان و با شکوفایی این استعدادها، تلاش خودشان را مبذول کنند. هر سه قوه باید تلاش کنند تا با جدیت و پشتکار و توکل به خدا و اعتماد به مردم و همکاری با یکدیگر، اقتدار ملی را تجلی بخشند و مظهر اقتدار ملی شوند.

نکته دوم و نقطه‌ی اساسی دیگر - که بیشتر به دستگاههای اجرایی ارتباط پیدا می‌کند - مسأله اشتغال است. سال را باید از آغاز تا پایان، سال تلاش برای ایجاد اشتغال مفید و مولد قرار دهیم. در مطالعات عمیق و بررسیهای همه‌جانبه اقتصادی، به این نتیجه می‌رسیم که نقطه عزیمت و شروع، عبارت است از تلاش برای اشتغال. برای جامعه ما شایسته نیست که جمع بزرگی از مردم این کشور - که عمدتاً جوان و غالباً دارای استعداد هستند - از اشتغال مفید و مولد محروم باشند؛ در حالی که کشور به این اشتغال نیاز بسیار زیادی دارد. کیفیت اشتغال هم مهم است؛ اما در درجه اول، ایجاد اشتغال و فرصتهای شغلی، دارای اهمیت مضاعفی است. در سال 79 در این زمینه مطالعات و برنامه‌ریزیهایی شده است. این برنامه‌ریزیها باید به مرحله اجرا درآید؛ باید همه برای آن تلاش کنند و احساس نمایند که این برنامه‌ها در حال اجراست و اثر آن را در زندگی خود و در مجموعه سیمای عمومی کشور مشاهده کنند. بنابراین برنامه‌ریزی برای اشتغال - که عمدتاً از ناحیه قوه مجریه است؛ البته قوه مقننه و قوه قضاییه بایستی کمک و زمینه‌سازی و پشتیبانی کنند - باید یکی از برنامه‌های اساسی ما و همه مسؤولان در طول سال باشد.

در اوایل سال 80، ما مسأله بسیار مهم انتخابات ریاست جمهوری را داریم که عرصه‌ای برای حضور ملت در صحنه سیاسی کشور و مظهری برای اقتدار ملی است. حضور مردم در انتخابات ریاست جمهوری و ان‌شاءالله آراء متراکم و بالایی که به صندوقها خواهند ریخت، مظهر اقتدار ملی و عظمت ملی و ان‌شاءالله مظهر وحدت ملی خواهد بود. امیدواریم که ملت ما در سایه این اقتدار و این حرکت و تلاش و کار، بتوانند هم وحدت را - که آرزوی عمومی مردم است - هم امنیت را - که نیاز اساسی ملت ماست - و هم بسیاری از برنامه‌های خودشان را عمل شده و تحقق یافته ببینند. اگر ما در کارنامه سال 79، فهرستی طولانی از کارهای صورت گرفته و برنامه‌های عمل شده، و فهرستی طولانی‌تر از کارهای نشده و نیازهای برآورده نشده مشاهده می‌کنیم، ان‌شاءالله در سال 80 شاهد باشیم که فهرست کارهای انجام شده بیشتر و طولانی‌تر و درخشانتر باشد، و فهرست کارهای مانده و عقب‌افتاده بسی کوتاهتر.

همه شما هم‌میهنان عزیز و برادران و خواهران گرامی را به خدای بزرگ می‌سپارم. از خداوند متعال عید مبارک و شادی را برای همه شما مسألت می‌کنم و امیدوارم ان‌شاءالله این سال، سال نیکبختی باشد و همه شما مشمول دعای مستجاب حضرت بقیةالله ارواحنا فداه باشید.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته